خبر

## موافقت شورای پروانه ساخت با شش فیلمنامه

شورای پروانه فیلمسازی در جلسه اخیر با ساخت شش فیلمنامه موافقت کرد. فهرست پروانه‌های صادرشده عبارتند از: «سطرهای خط خورده» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمدرضا خاکی و نویسندگی فرنوش عبدی منفرد، «ولگرد» به تهیه‌کنندگی سیدرضا محقق، کارگردانی محمد حمزه‌ای و نویسندگی مجید اسمعیلی، «درامتداد پل» به تهیه‌کنندگی سیدمصطفی حاجی‌احمدکاشی، کارگردانی محمدعلی عسگری و نویسندگی پدرام کریمی و محمدعلی عسگری، «زنی به نام نبات» به تهیه‌کنندگی، کارگردانی و نویسندگی عبدالرحمن رضایی، انیمیشن «افسانه سپهر» به تهیه‌کنندگی مهدی جعفری، کارگردانی عماد رحمانی و مهرداد محرابی‌گرگری و نویسندگی مهدی جعفری و عماد رحمانی، «خوان هفتم» به تهیه‌کنندگی سیدمحسن وزیری و سیدمحمدرضا وزیری و کارگردانی و نویسندگی سیدمحمدعلی وزیر. در میان پروژه‌های پروانه گرفته بیش از همه «درامتداد پل» جلب نظر می‌کند که بناست محمد عسکری آن را بسازد. عسکری کارگردانی است که با دو فیلم «آسمان غرب» و «اتاقک گلی» نشان داد بر مختصات تصویرسازی از نماهای مهیب جنگی مسلط است. در امتداد پل که مصطفی احمدی تهیه‌کننده «درخت گردو» و «صبحانه با زرافه‌ها»، تولید آن را به عهده دارد، روایتی از یک ماجرای غیرجنگی در دل جنگ است. این پروژه موضوعی لطیف و انسانی را برآمده از پاره‌ای خاطرات جنگی بسط می‌دهد.

# دین‌زدایی زیر پوست زرافه

## سینما عنصری جذاب برای خانواده‌هاست و از همین‌رو نظارت بر تفکرات مغایر با فرهنگ عمومی که در یک فیلم ارائه می‌شود باید برای مسئولان مهم باشد

سعیده ملایی
گروه فرهنگ و هنر

فیلم سینمایی «صبحانه با زرافه‌ها» یک فیلم ضدزن و منافی با آداب زیست اسلامی است و برای عمق‌بخشیدن به خود از کدهای عرفان مسیحیت و تعالیم تائو استفاده می‌کند. فیلم دست‌وپا می‌زند تا عمیق و فیلسوفانه به نظر برسد اما حتی در قواره یک خبر قدیمی هم برانگیختگی ایجاد نمی‌کند. در سال ۲۰۱۹ مرد مستی در قزاقستان از حصارهای باغ وحش بالا رفت تا پشت زرافه سوار شود و بتازاند. فیلم او به‌سرعت در فضای مجازی منتشر شد و نوع حرکت مرد برای سوار شدن روی زرافه مورد توجه عموم قرار گرفت. اسم فیلم صبحانه با زرافه‌ها و محتوای چند دقیقه اول آن برای نگارنده یادآور کلیپ مذکور بود، با این تفاوت که سادگی تأثیرگذار آن کلیپ، در مواجهه با پیچیدگی عامدانه فیلم سینمایی صبحانه با زرافه‌ها قابل مقایسه نیست.

### پنهان کردن عقاید مغایر دین

در همین ابتدا بگوییم که زرافه، گاو و عنکبوت در این فیلم می‌خواهند نمادهایی برای نمایش عنصر «طبیعت‌گرایی» تائو باشند؛ البته آن‌قدر خام‌دستانه و نچسب در تاروپود فیلم گنجانده شده‌اند که می‌توان آنها را نادیده گرفت؛ به عبارتی می‌توان گفت این مخلوقات طبیعت، ابزار سازندگان برای ردگم‌کنی هستند و هیچ معنای استعاری پرمغزی ندارند؛ هدف از خلق آنها در راستای تبلیغ تائو و پنهان کردن عقاید مغایر دین با روش «فرافکنی» است. بنابراین بیایید برای تحلیل فیلم، دور این جانوران را خط بکشیم و در دام سازندگانش نیفتیم. باور تائو بر پایه طبیعت‌گرایی و مخالفت با جامعه است. این فیلم قوانین جامعه و بایدهای دین مسیحیت (ساختمان مراسم عروسی مریم) را در مقابل تائو به عنوان فلسفه حیات (لوکیشن‌های پس از خروج از موتورخانه) قرار می‌دهد تا تائوئیسم را تبلیغ کند، هر چند در برخی نقاط از جمله مفهوم «بخشش» دل در گرو مسیحیت دارد. (البته این‌که چرا مسیحیت را نقطه پرتاب محتوا قرار داده‌اند مجهول به نظر می‌رسد)

### تمسخر نام مریم و مسیحیت

ماجرا درباره عروسی «رضا» با بازی پژمان جمشیدی است و با ورود سه مهمان مرد افیونی (دوستان رضا) و بعد با اضافه‌شدن یک مرد دیگر (دکتر مست) با بازی هادی حجازی‌فر از مسیر اصلی خود خارج می‌شود. نام عروس که تا انتهای فیلم چهره او را نمی‌بینیم، «مریم» است. او با وجود تلاش برای نگه‌داشتن رضا در مراسم عروسی که تمثیلی از جهان خلقت است، تا انتهای فیلم «باکره» می‌ماند. در طول فیلم آهنگ‌های متعددی درباره اسم مریم خوانده می‌شود و شاید بتوان گفت موتیف اصلی فیلم است. مهمانان در این جهان خیالی، تسلیم ساز و آواز شده‌اند و بعضی از آنها لام تا کام حرف نمی‌زنند و برخی هم فقط می‌رقصند و به قوانین جبرآمیز جشن دل داده‌اند. در این عروسی، «سعید» برادر مریم، با آن سبیل‌های تاب‌داده شده و چهره خشن، نمادی از جبر است و اوست که دستور می‌دهد داماد باید چه کار کند و حتی به‌جای شلیل، موز بخورد. سرانجام سه مرد افیونی و داماد در موتورخانه با کشیدن مواد به هپروت می‌روند و هر چند سعی می‌کنند عروسی را طبق روال و مطابق میل سعید برگزار کنند اما هیچ چیزی آن‌طور که می‌خواهند پیش نمی‌رود.

### کفاره گناهان در مسیحیت و مغایرت با مفاهیم اسلامی

مجتبی، پسرعموی رضا (با بازی بهرام رادان) تا انتهای فیلم با شخصیت‌ها همراه است. وقتی شخصیت‌های فیلم به بن‌بست می‌رسند مجتبی از خود مایه می‌گذارد تا آنها را رهایی ببخشد. او نقش قربانی را در فواصل مختلف فیلم بازی می‌کند تا دوستانش را برهاند؛ مثلا جایی در وسط مجلس با صداقت به برادر زورگوی مریم می‌گوید «بقیه رفته‌اند موتورخانه تا موتورهایشان را تعمیر کنند.» و از عواقب حرفش نمی‌ترسد، گویی برای «قربانی‌شدن» آماده است یا جایی به یکی از شخصیت‌ها می‌گوید «این‌طرف صورتم را زدی، می‌خواهی طرف دیگر را هم بزن.» (برگرفته از اصطلاح «چرخاندن گونه دیگر» در مسیحیت) یا در صحنه‌ای که به جای نیلوفر بابت خیانت از مهندس (هوتن شکیبا) «سیلی» می‌خورد و سپس در جایی رضا برای خالی شدن از فشار روانی، او را به‌شدت هل می‌دهد تا به این‌واسطه مجتبی رستگاری خاطیان را تسهیل کند. بعد از مرگ مجتبی متوجه می‌شویم او شخصیت و غرور خود را با تماسی تلفنی، قربانی رابطه رضا و مریم کرده تا مریم، رضا را بابت غیبت در عروسی ببخشد. او در واقع تجسمی از کفاره گناهان در آیین مسیحیت است و حتی در سکانس اول فیلم کراوات را چونان صلیب تمثیل می‌کند و در همان لحظات ابتدایی نگران قرص خوردن مهندس می‌شود و دائم با سؤال: «اگر این‌کار را نکنم، ناراحت می‌شوید؟!» نقش تسلیم و «بره»‌گی را در تعامل با سایر کاراکترها به نمایش می‌گذارد؛ او بره‌ای است که کژی و خشونت در او راه ندارد و در جایی از فیلم بحث درباره این است که چه چیز مجتبی را به کشتن داد و او به بادافره گناه کدامین شخصیت از دنیا رفت؟!؟ آنها درباره علت مرگ او، با مشت، دمپایی یا سیلی اختلاف‌نظر دارند. فیلم مفهوم کفاره گناهان و بخشش را دستمایه طنز قرار می‌دهد. در واقع بخششی را که فیلم تبلیغ می‌کند پس‌زمینه مسیحی دارد و از مفهوم کفاره گناهان در مسیحیت و اعتراف‌گیری گرفته شده است و با مفاهیم اسلامی درباره بخشش فاصله ماهوی دارد.

### ترویج اندیشه‌های تائوئیسمی

هرچند سازندگان از این مفاهیم عبور می‌کنند تا مفهوم تائو را بر همه باورها غالب کنند. کودک معصوم درون عروسی که خبر مرگ داماد را برای مهمانان می‌برد از الهیات مسیحی گرفته شده است که توضیح آن در این مقال نمی‌گنجد. شاهین و دکتر سرخوش داستان (بنفشه‌خواه و حجازی‌فر) به اندیشه‌های تائوئیسمی متمایلند و حتی فرازهایی از کتاب لائوتزه (تائوت چینگ) را عینا می‌خوانند. مثلا در فیلمنامه آن بخش‌هایی از کتاب لائوتزه خوانده می‌شود که بتواند تقابل بین فضای جبری مراسم عروسی را در مقابل تساهل مردان افیونی قوت ببخشد، مثلا این بخش: «هیچ چیز در این جهان چون آب، نرم و انعطاف‌پذیر نیست. با این حال برای حل کردن آنچه سخت است، چیز دیگری یارای مقابله با آب را ندارد. نرمی بر سختی غلبه می‌کند و لطافت بر خشونت.» و در جایی جمله «من بادم» را به رهایی از بایدهای جهان عروسی بیان می‌کند.

### ضدزنان

زنان در فیلم سوژه‌های نامطلوب هستند، آنها در کافه و رستوران نشسته‌اند و مردان در فضایی مالیخولیایی به آنها نزدیک می‌شوند تا به اصطلاح مخ‌شان را بزنند اما هربار دست یافتن به این میوه‌های ممنوعه غیرممکن می‌شود. در یکی از صحنه‌ها هوتن شکیبا ارجاعی به اسطوره آفرودیت یونان باستان می‌دهد تا با اشاره به جنبه‌های این نماد «شور جنسی» روی آنها تأثیر بگذارد. آفرودیت را نمی‌توان با الهه‌های باکره، آرتمیس، آتنا یا هستیا، گروه‌بندی کرد، زیرا که معشوقه‌های فراوان داشته است. بنابراین انتخاب و کاربرد اسم او در دیالوگ نگاه منفی‌گرایانه نویسندگان را نسبت به زنان ترویج می‌دهد و نقطه معکوس مریم است. در عین‌حال مریم و آن دختران حاشیه‌ای، ویژگی مشترکی دارند و آن دست‌نیافتنی بودن است. این فیلم می‌خواهد مردانه باشد اما شخصیت‌های مردی که به نمایش می‌گذارد، ضعیف، پوشالی و در حال اضمحلال است. فیلم سرگیجه‌آور است و با وجود تبلیغ عیان تائو و ادعامند بودن در باب گره‌گشایی آن، مخاطب را در حس پوچی فرومی‌برند. فیلم شبیه قرص‌های هذیان‌آور، بی‌هویت، شلم‌شوربا و در حقیقت فیلمی ترسو است که برای بیان نگاهش، آسمان ریسمان می‌بافد. چند مورد اشارات فلسفی هم دارد که اگر در اینجا به آنها اشاره کنیم، متن را به همان باتلاقی سوق خواهیم داد که فیلم در آن فرو رفته است.

برش

## وقتی کتاب خواندن خطرناک می‌شود

**فیلم صبحانه با زرافه‌ها زنگ هشداری برای مخاطب و سروش صحت است. سروش صحت در مقام نویسنده و کارگردان به لطف برنامه «کتاب‌باز» به‌عنوان فردی کتابخوان معروف شده است. نحوه تحلیل‌اش از دین، جهان و آدم‌ها در این فیلم رقت‌انگیز است. سروش صحت ما را به یاد شخصیت‌های «فیلیپ» و «براندون» در فیلم‌سینمایی طناب هیچکاک می‌اندازد. این دو شخصیت که تحت تأثیر نظریات فلسفی «مردان بزرگ» کارلیل و «انسان برتر» نیچه قرار گرفته بودند، دوست‌شان دیوید را که از نظر آنها یک انسان رده‌پایین بود با طنابی که کتاب‌های‌شان را با آن می‌بستند، خفه کردند. در این فیلم هیچکاک به مخاطب می‌آموزد صرف کتاب خواندن بدون قدرت تحلیل کافی می‌تواند خطرناک باشد و به قول آقای محمدتقی فهیم، منتقد سینما، تأکید می‌کردند که: «کتاب نخواندن بهتر از بد کتاب خواندن است و نفهمیدن بهتر از بد فهمیدن است.» لزوما قرار نیست آدم‌ها هر چه را به فکرشان خطور می‌کند به فیلم تبدیل کنند. بیان آرا و اندیشه‌های دینی و فلسفی نیازمند قدرت تحلیل فوق‌العاده و درک بی‌طرفانه از آنهاست؛ بی‌طرفی که با خلق شخصیت سعید برادر مریم که در طول فیلم آن را «عن‌آقا» خطاب می‌کنند به اعماق تاریک ادعا فرو می‌رود.**

خبرروز

کیکاوس زیاری | گروه فرهنگ و هنر

## همکاری مشترک منطقه‌ای

دو صنعت سینمای مالزی و اندونزی که به‌دنبال همکاری‌های مشترک هنری منطقه‌ای هستند، درام اجتماعی «دهکده خاموش» را به‌عنوان اولین محصول مشترک سینمایی خود به بازار منطقه‌ای و جهانی ارائه می‌کنند.

هو یوهانگ، کارگردان نوجو و غیرمتعارف مالزیایی، این درام جنایتکارانه پرتنش را کارگردانی کرده که داستانش با یک پس‌زمینه قوی سیاسی همراه است. فیلمنامه اصیل و غیراقتباسی دهکده خاموش برگرفته از یک رخداد واقعی است و چند پرونده مهم جنایتکارانه در شرق آسیا را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

خط اصلی داستان این درام هیجانی واقعگرایانه درباره چند افسر وظیفه‌شناس و کارآگاه خصوصی است که مشغول تحقیق در رابطه با جنایت وحشتناکی هستند که در یک دهکده کوچک رخ داده است. با پیدا شدن جسد زن جوانی در یک نقطه پوشیده از درخت، تحقیقاتی وسیع آغاز می‌شود که نتیجه‌ای غیرمنتظره به‌همراه دارد. این تحقیقات ماموران را به یک شبکه قاچاق انسان می‌رساند که دور از چشم جامعه مشغول انجام فعالیت‌های غیرقانونی و غیرانسانی خود هستند.

نکته جالب همزمانی این اتفاق با شرایط خاص سیاسی کشور و انتخابات پیش‌رو است که تأثیر ماجرای قاچاق انسان را در سطح جامعه چند برابر می‌کند. سازندگان فیلم روی این نکته تاکید دارند که داستان آن در کنار بحث و بررسی شکاف‌های سیاسی و اجتماعی در دو کشور مالزی و اندونزی، نگاهی وسیع‌تر به موضوع داشته و به‌دنبال طرح مشکلات مربوط به سوءاستفاده از قدرت در جنوب شرقی آسیاست.

هو یوهانگ در رابطه با انتخاب چنین موضوع حساسی برای فیلم خود، چنین می‌گوید: «داستان فیلم تنها درباره یک دهکده آرام نیست که در زیر پوست خود، در فضای متناقضی سیر می‌کند و به زندگی‌اش ادامه می‌دهد. همچنین این داستان تنها درباره شخصیت شامان نیست که در این دهکده زندگی می‌کرد و به قتل رسید. این داستان سطحی وسیع‌تر را دربرمی‌گیرد و دادنامه‌ای در رابطه با تمام ظلم و مصائبی است که قشر ضعیف جامعه با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند.»

به این ترتیب، دهکده خاموش داستانی فراتر از یک کشور و یک ملت را به تصویر کشیده و تلاش دارد بازتابی از وضعیت زندگی اجتماعی اهالی یک قاره باشد؛ اتفاقی که در داستان فیلم رخ می‌دهد، در سال ۱۹۹۷ رخ داده بود و به گفته سازندگان فیلم، هنوز هم مشابه این اتفاق در بسیاری از کشورهای جنوب شرق آسیا در حال وقوع است. همین نکته باعث شد تا هو یوهانگ تصمیم بگیرد داستان فیلم تازه‌اش را به این موضوع مهم اختصاص دهد.

به گفته او: «سینمای اجتماعی با دو رقیب روبه‌روست و برای موفقیت باید رقابتی سخت با آنها بکند. از یک‌سو، ما تلاش داریم با تقویت سینمای بومی با تولیدات پرسروصدای هالیوودی رقابت کنیم و از سوی دیگر، سینمای عامه‌پسند داخلی هم هست که با بهره‌گیری از عنصر سرگرمی و تفریح، سعی دارد عموم مردم را به سمت خود بکشد. برای همین، زمان تولید دهکده خاموش تلاش داشتیم داستان غیرمتعارف و اجتماعی خود را به زبانی مردم‌پسند تعریف کنیم تا بتوانیم گروه عظیم تماشاگران را جذب خود کنیم.»

قاب

## «تفسیر و تفنگ» کارنامه گروه فرقان

**مستند «تفسیر و تفنگ» به کارگردانی سیدحسین امام جمعه و رضا ایروانی و تهیه‌کنندگی ناصر آراسته آماده حضور در جشنواره سینماحقیقت شد. این مستند روایتی نو و بدون سانسور از سرشت و سرنوشت گروه فرقان را به تصویر کشیده است. همزمان با اکران مستند «تفسیر و تفنگ» در هجدهمین جشنواره سینما حقیقت از پوستر آن رونمایی شد. این مستند محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که در استودیو بیست‌ودو تهیه و تولید شده است. سایر عوامل این مستند عبارتند از: پژوهشگر و نویسنده: محمدامین فرج‌اللهی، تولید: مهدی لطیفی، گوینده: محمدباقر مفیدی‌کیا، مشاور تاریخی: محمدحسن روزی‌طلب.**

رویداد

## هیأت داوران ششمین جشنواره فیلم «پرواز»

نشست داوران ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم «پرواز» شامگاه ۱۹ آذر برگزار شد و ضمن رونمایی از پوستر جشنواره، آثار برگزیده از میان ۱۰۰ اثر راه‌یافته به بخش رقابتی جشنواره انتخاب شدند.

هیأت داوران این دوره از جشنواره، متشکل از مهوش وقاری، خسرو معصومی، مهرداد اسکویی، داریوش دالوند، نیما عباسپور، جابر قاسمعلی، محمد احسانی، سیدبابک مصطفوی، عطا مجابی، مصطفوی الشوکی و فایزبن الکندی هستند. آثار منتخب در بخش‌های مستند، داستانی، انیمیشن و تجربی و همچنین فیلمنامه، در دو بخش ملی و بین‌المللی ارزیابی شدند.

داوران ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم پرواز با تأکید بر اهمیت و ضرورت این جشنواره در حوزه معلولیت، آن را بستری منحصربه‌فرد برای نمایش توانمندی‌های افراد معلول و ارتقای آگاهی جامعه دانسته و معتقدند این جشنواره با تمرکز بر موضوعات مرتبط با معلولیت، فرصتی استثنایی برای بازنمایی ظرفیت‌های این قشر از جامعه فراهم می‌کند.

ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم پرواز که با مشارکت بنیاد رودکی در مجموعه فرهنگی هنری برج آزادی برگزار می‌شود، ۲۰ آذر آغاز شده و تا ۲۳ آذر ادامه دارد.

جشنواره

## جشنواره چنای هند میزبان سه فیلم فارابی

بیست و دومین دوره جشنواره چنای هند میزبان سه فیلم «روایت ناتمام سیما» به کارگردانی علیرضا صمدی و تهیه‌کنندگی مجید رضابالا، «هوک» به کارگردانی حسین ریگی و تهیه‌کنندگی علی آشتیانی‌پور و «کاپیتان» به کارگردانی محمد حمزه‌ای و تهیه‌کنندگی صابر امامی خواهد بود.

فیلم روایت ناتمام سیما در بخش رقابتی و فیلم‌های هوک و کاپیتان به‌عنوان فیلم‌هایی مناسب حوزه نوجوانان نیز در بخش سینمای جهان بیست‌ودومین دوره جشنواره چنای نمایش داده می‌شود.

سال گذشته نیز بنیاد سینمایی فارابی با دو فیلم کاپیتان و کت چرمی در این رویداد حضور داشت که امسال به دلیل استقبال و بازخورد مثبت فیلم کاپیتان قرار شد این فیلم بار دیگر در لیست فیلم‌های انتخابی جشنواره قرار گیرد. گفتنی است فیلم افتتاحیه این رویداد سینمایی روایت ناتمام سیما خواهد بود.

بیست‌ودومین دوره جشنواره چنای هند از ۱۲ تا ۱۹ دسامبر سال جاری برابر با ۲۲ تا ۲۹ آذر برگزار می‌شود.